

بررسی تاریخی

روابط ایران و عربستان

در موضوع حج

نوشته حاضر، خلاصه و چکیده ای است از یک پژوهش ارزشمند با عنوان «مناسبات ایرانیان با حجاز در ادوار مختلف اسلامی» که بانی و برنامه‌ریزش «پژوهشکده حج و زیارت» بود و مجری آن، پژوهشگر فرهیخته جناب آقای سید محمود سامانی. اکنون به بهانه وقایعی که میان ایران و عربستان رخ داده و در روابط این دو کشور تأثیرگذار بوده، مقاله یادشده را که از سوی «دفتر نظارت و بازرسی حوزه نمایندگی ولی فقیه» تهیه و تلخیص گردیده، تقدیم خوانندگان «میقات حج» می‌کنیم:

مقدمه

با توجه به اهمیت و قداست دو شهر مکه و مدینه برای تمامی مسلمین جهان به‌ویژه مردم ایران و نیاز به تبادل فرهنگ اسلامی مردم کشورمان با سایر ملل در این دو شهر استراتژیک از لحاظ مذهبی و همچنین اهمیت حضور تمامی مسلمانان با فرهنگ‌های متفاوت در سرزمین حجاز، مروری اجمالی داریم بر تاریخ مناسبات ایرانیان با حکام حجاز: همچنین با توجه به تعطیلی عمره در سال جاری به دلیل عدم تضمین تامین امنیت زائران ایرانی از سوی دولت عربستان که در موارد مختلف رخ داده است؛ اعم از حادثه تعرض فرودگاه جده و ربایش اتوبوس زائران در مکه و همچنین رفتارهای ناشایست مأموران در حریم شریفین و فرودگاه مدینه و جده با روحانیون و زائران ایرانی و نیز قبرستان بقیع و اماکن زیارت دوره و همچنین سخنرانی‌های مغرضانه ائمه جمعه و جماعت حریم شریفین که به وقوع پیوست، ما را بر آن داشت تا در ذیل مروری اجمالی بر روند مناسبات

حاکمان حجاز در دوره‌های قبل با ایرانیان مشتاق این سفر معنوی داشته باشیم و همچنین چگونگی تعامل دولت‌های وقت ایران با این مسئله را بررسی خواهیم کرد و سپس راه کارهایی عملی جهت احصای نتیجه مطلوب جهت نقشه راه برای ادامه این سفر معنوی را به بررسی می‌گذاریم.

لازم به توضیح است در هر مقطع زمانی، از اعصار گذشته، هرگاه جان و مال زائران ایرانی به طور جدی به خطر می‌افتاد، حکام وقت ایران از اعزام زائران تا حصول اطمینان از راه کار مناسب به منظور ایجاد امنیت برای اتباع خود، جلوگیری می‌کردند و نیز از طرق گوناگون به دنبال ایجاد روابط با حجاز و کمک به ایجاد تسهیلات به منظور انجام این سفر برای زائران بودند.

نخست، بررسی چنین مواردی از دوره نبی امیه به بعد به طور خلاصه اشاره خواهد شد. با این یادآوری که: در دوره خلفا، ایران از سوی عراق اداره می‌شد و هنوز اسلام دین غالب مردم این سرزمین نشده بود:

امویان:

امویان بر خلاف امام علی علیه السلام که نسبت به موالی و غیر عرب مهرورزی داشت، سیاست تبعیض نژادی را سرلوحه کار خود قرار داده بودند، از این رو، در این عصر، ایرانیان در بدنه حکومت سهمی نداشتند تا بتوانند در حرمین نقشی ایفا کنند. آشوب خوارج و تسلط ابو حمره خارجی در حجاز، در واپسین سال‌های حکومت امویان، (تاریخ طبری (م ۳۱۰ ق.)، ج ۷، ص ۳۷۴ محمد ابوالفضل، بی تا؛ مروج الذهب، ج ۴، صص ۳۰۵ - ۳۰۳ دوم، ۱۴۰۹ ق.) موجب ناامنی در حرمین شد و در حج گزارای مسلمانان خلل ایجاد گردید.

عباسیان:

آنان برای نشان دادن قابلیت خود برای اداره امور مسلمانان و جلب نظر و حمایت مردم و استفاده از آن برای اهداف سیاسی خود، به امر حج و رسیدگی به حرمین توجه ویژه‌ای داشتند. کاروان حج، هر سال از بغداد روانه حجاز می‌شد که گاه ریاست آن با خود خلیفه بود. حجاج ایران نیز با این کاروان همراه می‌شدند. مسئولان این کاروان، اموالی برای توزیع میان نیازمندان حرمین همراه داشتند. حاکمان نواحی مختلف نیز هدایایی به کعبه تقدیم می‌کردند. همچنین پرده کعبه هر سال به دستور خلیفه تعویض می‌شد. (امل اسین، ترجمه احمد آرام، ص ۱۴۳،

۱۳۵۸ ش.) عباسیان، قسمت قابل توجهی از خزانه را صرف امور حج می کردند که علاوه بر مخارج یاد شده، بخش هایی نیز برای کمک به اهل حرم مکه و مدینه و به عنوان صدقات در این دو شهر مقدس صرف می شد. مقدار قابل توجهی نیز به قبایل بدوی داده می شد تا از غارت کاروان های حج و ایجاد ناامنی چشم پوشی کنند. (جعفریان، رسول، راه حج، ص ۴۹، ۱۳۸۹ ش.) مناسبات ایران با حجاز در این عصر با سیاست عباسیان پیوند داشت، ایرانیان در این عصر، بر خلاف دوره امویان، با توجه به نقش بزرگی که در سقوط بنی امیه داشتند، در دستگاه عباسی، حضور جدی می یافتند.

ابومسلم خراسانی نخستین ایرانی در عصر عباسی بود که به عنوان صاحب منصب در حجاز مطرح گردید. او در سال ۱۳۶ هجری قمری به حج رفت و اقداماتش در حجاز و مسیر حج عبارت بود از:

الف) حفر چاه های مختلف و رفع کمبود آب؛

ب) کمک به اعراب در منازل مختلف سفر؛

ج) هموار کردن راه حج.

برمکیان:

درباره ارتباط برمکیان (دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۴، صص ۹۳ - ۸۵، ۱۳۹۲ ش.) با حجاز، گفته اند که آنان سفرهای متعددی به حرمین داشتند. یحیی به سال ۱۸۱ ق. پس از جلب رضایت هارون، ضمن حج گزار، به مدت یک سال در مکه اقامت کرد. (الدمشقی، ابن کثیر، ج ۱۰، صص ۱۷۷ و ۱۷۹، ۱۴۰۷ ق.) وی سفرهای دیگری نیز به حرمین داشت. از خدمات یحیی در حرمین به موارد زیر می توان اشاره کرد:

الف) قسط بندی مالیات ساکنان حرمین؛ (جهشیاری، الوزراء و الکتاب، ص ۱۱۴، بی تا.)

ب) ایجاد بوستانی در ناحیه فح و شکافتن کوه حزنه برای هموار ساختن مسیر فح؛ (ازرقی (م ۲۴۸ ق.)، / رشدی الصالح، ج ۴، صص ۲۱۲ و ۲۱۳، ۱۴۱۵ ق.)

ج) ساخت آبشخوری برای حاجیان مشهور به «سقایة ابن برمک» در نزدیک یکی از انصاب (نشانه های) حرم بود. (ازرقی (م ۲۴۸ ق.)، / رشدی الصالح، ج ۲، ص ۱۹۰، ۱۴۱۵ ق.) / ابن رسته، ص ۵۶ م قرن ۳ ق.، ۱۸۹۲ م.)

طاهریان (۲۵۹-۲۰۶ق.م):

منصب «عمل الحرمین» از سوی خلفای عباسی در زمان حکومت طاهریان به آنان داده شد که منصبی تشریفاتی - سیاسی بود (تاریخ طبری (م ۳۱۰ق.م)، ج ۹، ص ۲۵۸ محمد ابوالفضل، بی تا.) و متصدی آن از میان امیران با نفوذ انتخاب می شد و هنگام خواندن خطبه در مکه، نامش همراه خلیفه خوانده می شد. اهم اقدامات طاهریان در مقام عمل الحرمین را می توان چنین بر شمرد:

الف) توزیع اموال در حرمین.

ب) رفع اختلاف درباره رؤیت هلال.

ج) اهدای قفل زرین به کعبه.

ساجیان و صفاریان دو سلسله دیگر بعد از طاهریان بودند که آنان نیز برای به دست آوردن منصب عمل الحرمینی تلاش فراوان کردند که در برخی سالها موفق و در برخی دیگر خلع می شدند؛ به عنوان نمونه، صفاریان منصب عمل الحرمین را از سوی دستگاه عباسی از سال ۲۶۵ تا ۲۷۱ق.م به دست گرفتند، ولی در سال ۲۷۱ق.م و در پی حمله برخی سادات علوی از مکه و مدینه و کشتار و غارت در آن شهر که موجب تعطیلی مراسم حج و نیز تعطیلی نماز جمعه و جماعت شد. معتمد خلیفه عباسی، در حضور حج گزاران خراسانی در بغداد اعلام کرد: عمرولیث از منصب عمل الحرمینی عزل گردید و نیز دستور داد عمرو را بالای منابر لعن کنند. (م ۳۱۰ق.م/ ج ۱۵، صص ۶۶۲۸-۶۶۲۶، بی تا.)

عصر آل بویه (۴۴۷-۳۲۰ق.م):

آل بویه پس از تسلط بر بغداد در سال ۳۳۴ق.م با اخشیدیان (۳۵۸-۳۲۳ق.م) به عنوان فرمانروایان مصر، در راستای نفوذ حرمین و خوانده شدن خطبه به نامشان رقابت داشتند. معزالدوله بویه در سال ۳۴۲ق.م کاروان حاجیان عراق را با دو امیرالحاج از علویان به نامهای ابوالحسن محمد بن عبدالله و ابو عبدالله احمد بن عمر بن یحیی به مکه گسیل داشت. آنها در مکه با سپاهیان ابن اخشید که برای دفاع از موقعیت وی به همراه کاروان حاجیان مصر آمده بودند، درگیر شدند و توانستند با غلبه بر آنها به نام معزالدوله خطبه بخوانند. (ابن اثیر، ج ۸، ص ۵۰۶ به کوشش عبدالله قاضی، ۱۴۰۷ق.م/ ابن فهد، ج ۲، ص ۳۹۸، (م ۸۸۵ق.م) در سال ۳۴۳ق.م نیز میان کاروان اعزامی معزالدوله و مصریان درگیری رخ داد. این بار نیز مصریان مغلوب شدند و در

کنار خلیفه نام امرای آل بویه؛ یعنی رکن الدوله، معزالدوله و عزالدوله و سپس اخشید خطبه خوانده شد، (همان).

در این دوره، راهدارانی برای مراقبت از راه حج تعیین می شدند که وظیفه داشتند افزون بر حفاظت راه‌ها، برای تعمیر و تسطیح آن‌ها هم بکوشند. (عبدالمجید البکر، صص ۱۸ و ۱۹، ۱۴۰۱ق.).

عصر غزنویان (۵۸۲-۳۵۱ق.):

از رویدادهای مرتبط با حج و حرمین و غزنویان، می توان به ماجرای حج گزاردن حسنگ وزیر (ابوعلی حسن بن محمد نایب سلطان محمود غزنوی) اشاره کرد. وی به عنوان امیرالحاج و آخرین وزیر سلطان محمود غزنوی (۴۲۱-۳۸۷ق.) در سال ۴۱۴ق. به همراه کاروان بزرگ حج خراسان (دویست هزار نفر حاجی و شصت هزار شتر) (ابن فهد (م ۸۸۵ق.)، به کوشش: عبدالکریم، ج ۲، ص ۴۵۳، ۱۴۰۸ق.) راهی مکه شد. حسنگ در مسیر رفت به حجاز، قبایل کوچک عرب را با پرداخت‌های نقدی و قبایل بزرگ را با وعده پرداخت در مسیر بازگشت از هرگونه گزندی بر کاروان بازداشت.

عصر سلجوقیان (۵۵۲-۴۲۹ق.):

از اقدامات ملک شاه سلجوقی در حرمین، می توان موارد ذیل را برشمرد:

- * بازداشتن اعراب بادیه از غارت کاروان‌های حجاج در مقابل پرداخت پول به آنها و همچنین تعهد پرداخت مال‌های از حجاج گرفته شده از اموال شخصی. (ابن جوزی (م ۵۹۷)، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۹، صص ۷۲-۷۰، اول، ۱۴۱۲ق./۱۹۹۲م.)
- * لغو گرفتن مالیات از حجاج در مسیر حج، که با عناوینی چون «مکس» و «خفار» دریافت می شد. (مؤلف ؟، به کوشش: جلالی، صص ۲۲۸، ۱۳۷۷ش.)
- * دادن اقطاع به امیر حرمین و نیز هدایا و پیشکش‌ها به او، در حالی که تا آن زمان، امیر حرمین موظف بود مبلغی به دستگاه خلافت بپردازد.
- * اختصاص دادن اموال و اقطاع به اهل حرمین و مجاوران. (راوندی، صص ۱۳۱، ۱۳۵۶ش.؛ (ابن خلکان (م ۶۸۱ق.)، به کوشش: احسان عباس، ج ۵، صص ۲۸۴ و ۲۸۵، بی تا.)
- * تعمیر منازل و راه‌های حج و ایجاد امکانات رفاهی برای حجاج؛ مانند انتقال آب از

عرفات به مکه و بازسازی قنات زبیده. (فاسی (م ۸۳۲ ق.)، به کوشش: محمد عبدالقادر، ج ۳، صص ۲۶۱ و ۲۶۲، ۱۴۱۹ ق.؛ ابن فهد (م ۸۸۵ ق.)، به کوشش: عبدالکریم، ج ۲، ص ۳۹۸، ۱۴۰۸ ق.).

* همچنین ساخت نخستین گنبد بر حرم امامان بقیع در دوره سلجوقیان بود. (ابن اثیر، به کوشش عبدالله قاضی، ج ۸، ص ۲۱۴، ۱۴۰۷ ق.)؛ اعیان الشیعه، محسن الامین، ج ۳، ص ۲۹۹؛ نجمی، ص ۱۹۳، ۱۳۸۶ ش.).

روابط رسمی و عملی سلجوقیان با اشراف حجاز پس از مرگ طغرل و از زمان حکومت آلب ارسلان آغاز شد. این سلطان سلجوقی با توجه به اقتدار و شهرت نظامی خویش که پس از نبرد ملاذگرد و شکست امپراتوری بیزانس به دست آورده بود، تلاش بیشتری برای اعمال نفوذ سلجوقیان بر حجاز انجام داد. وی دومین پادشاه قدرتمند سلجوقی بود که برای احیای خطبه خوانی برای عباسیان در مکه تلاش کرد.

ایلخانان مغول:

از هجوم مغول به ایران که از سال ۶۱۶ ق. آغاز شد تا تشکیل حکومت ایلخانی (۶۵۴-۷۳۶ ق.) و حتی تا اواخر قرن هفتم که حاکمان مغول در ایران مسلمان شدند، حجاز از سیاست‌های دولت ممالیک مصر متأثر بود. این دولت برای تثبیت جایگاه خود در حجاز تلاش‌های بسیاری کردند. در این زمان، مغولان حاضر در ایران هنوز مسلمان نشده بودند؛ برخی از آنها شمن پرست، برخی بودایی و دیگران مسیحی بودند. (آژند، (۷۵۶-۶۱۶ ق.)، صص ۶۹-۶۱، ۱۳۲۸ ش.). طبیعی بود که آنان به حج اعتقادی نداشتند و حتی چنگیز خان مغول با این اعتقاد که سراسر جهان خانه خداست، مانع حج‌گزاری مسلمانان در قلمرو خود می‌شد.^۱

بدین ترتیب، ایرانیان تا زمانی که مغولان تحت تأثیر فرهنگ اسلام و ایران، مسلمان نشده بودند، نتوانستند با حجاز ارتباط قابل توجهی داشته باشند.

به مدت ۳۴ سال بین دو موج حمله مغولان که از سال ۶۱۴ ق. آغاز گردید، ارتباط ایران با حجاز قطع بود و حتی از اعزام کاروان حج خبری نبود. از این دوره، تنها گزارش‌هایی از حج

۱. به نقل از: پایان‌نامه کارشناسی ارشد موسوی مقدم (حج از سقوط حکومت ایلخانان تا پایان حکومت تیموریان، ص ۲۷).

در سال‌های ۶۴۰ و ۶۵۰ ق. وجود دارد و حج در بقیه سال‌ها تعطیل بوده است. (ابن اثیر، به کوشش عبدالله قاضی، ج ۴، ص ۳۷۳، ۱۴۰۷ ق.). ؛ تغری بردی (م ۸۷۴ ق.)، به کوشش: شلتوت و دیگران، ج ۷، ص ۲۵، ۱۳۹۲ ق.) در این مقطع زمانی، بسیاری از ایرانیان به قتل رسیدند و جمعیت ایران کاهش جدی یافت. ناامنی و غارت اموال، ایرانیان را با بحران اقتصادی حاد روبه‌رو ساخت. (حمد الله مستوفی قزوینی، به کوشش: لیسترنج، ص ۲۷، ۱۳۶۲ ش.).

زمان حکومت جانشین گیخاتو، محمود غازان خان، نقطه عطفی در روابط ایران با حجاز محسوب می‌شود؛ زیرا با مسلمان شدن او^۱ در همان سال آغاز حکومتش و اعلام رسمی دین اسلام، مغولان در ایران مسلمان شدند. در واقع تبدیل شدن حکومت ایلخانیان به دولتی اسلامی، آنان را مقید ساخت تا نسبت به فریضه حج و حریم بی‌اعتنا نباشند.

غازان خان توجه شایانی به امر حج کرد. از اقدامات غازان خان در راستای حج و حریم و ارتباط با حجاز، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) اصلاح راه مکه از طرف بغداد که سال‌ها متروک مانده بود؛ این راه همان راه جبل یا زبیده بود.

ب) اعزام کاروان حج.

ج) تعیین امیرالحاج؛ غازان خان، یکی از فرماندهان بزرگ خود به نام قتلغ شاه را به این منصب گمارد و هزار سوار مسلح برای حفاظت و تأمین امنیت کاروان در اختیار او قرار داد و محملی با شکوه ترتیب داد. (فضل الله شیرازی، ص ۳۹۰، ۱۳۸۳ ش.).

د) کمک مالی به اشراف و امیران مکه و مدینه.

ه) تهیه پرده کعبه؛ به دستور غازان خان، محمل با شکوهی به نام همایونی که مخصوص او بود، ترتیب دادند تا پرده کعبه را به مکه مکرمه حمل کنند.

ابو سعید بهادر خان (۷۳۶ - ۷۱۶ ق.):

آخرین حاکم ایلخانیان، فرزند و جانشین سلطان محمد خدابنده (اولجایتو)، ابوسعید بهادر خان (۷۱۶-۷۳۶ ق.) در ایران و عراق بود. (محمد شبانکاره‌ای (م ۷۳۳ ق.)، ص ۲۷۳، ۱۳۶۴ ش.).

۱. غازان سنی حنفی بود، ولی در موارد مختلف از طریق زیارت آرامگاه‌های ائمه در عراق و ایجاد دارالسیاده در شهرهای بزرگ برای حمایت از بازماندگان اهل بیت پیامبر ﷺ، ارادت و عنایت خود را به مذهب شیعه نشان داد. (ر.ک: سلسله‌های متقارن در ایران، ص ۴۳).

وی برای نفوذ در حرمین، به ویژه مکه و رفع مشکلات کاروان‌های حج و انجام شکوهمند مراسم حج، بسیار کوشید. بیشترین خبرها درباره حج‌گزاری مسلمانان قلمرو ایلخانیان، به دوره حکومت او مربوط می‌شود. ابوسعید که سنی‌مذهب بود، توانست با ایجاد روابط دوستانه با ممالیک مصر، مناسبات خود را با حجاز در سایه جلب رضایت آنان توسعه دهد. (مقریزی (م ۸۴۵ق.)، به کوشش: محمد عبدالقادر، ج ۲، ص ۲۱۱، ۱۴۱۸ق.) وی اقدامات شایسته‌ای برای کسب اعتبار و نفوذ در حرمین شریفین انجام داد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

* **اعزام کاروان به مکه؛ حکومت همه ساله، کاروان حج را با هدایا و صدقات بسیار و با شکوه فراوان روانه حجاز می‌کرد.** (ابن فهد (م ۸۸۵ق.)، به کوشش: عبدالکریم، ج ۳، صص ۱۶۰، ۱۶۱ و ۱۷۱، ۱۴۰۸ق.). حجاج ایرانی و عراقی در این زمان به سبب مناسبات حسنه با دولت ممالیک مصر، کمتر با مشکل روبه‌رو می‌شدند؛ زیرا سلطان مصر در نامه‌هایی به شریف مکه و رؤسای قبایل عرب که در مسیر کاروان بودند، برخورد مناسب با آنان و رسیدگی به امورشان را سفارش کرده بودند. (مقریزی (م ۸۴۵ق.)، به کوشش: محمد عبدالقادر، ج ۲، ص ۲۱۱، ۱۴۱۸ق.)

* **تأمین امنیت راه حج؛ ابوسعید برای برقراری امنیت حاجیان در مسیر حج دستور داده بود تا برای رفع نیاز قبایل عرب بیابان‌گرد جهت پیش‌گیری از حمله آنها به کاروان‌های حج اقدام شود.** (العسقلانی (م ۸۵۲ق.)، ج ۲، ص ۲۱۱) ابوسعید از دولت ممالیک درخواست کرد تا امنیت راه‌های حج تأمین گردد و حاجیان دو پرچم به نام ممالیک و ایلخانیان با خود حمل کنند. سلطان مملوکی با پذیرش تقاضای ابوسعید، در پاسخ وی هیئتی روانه ایران کرد و در نامه‌ای به شریف مکه دستور داد تا به حاجیان ایرانی احترام بگذاردند. (مقریزی (م ۸۴۵ق.)، به کوشش: محمد عبدالقادر، ج ۲، ص ۲۱۱، ۱۴۱۸ق.)

* **انتخاب امیرالحاج از میان اهل فتوت؛ منصب امیرالحاجی در اواخر عصر حکومت ایلخانان تقریباً به انحصار پهلوانان و اهل فتوت درآمد.**

* **ارسال کمک به حرمین؛ به نقل از بطوطه، سلطان ابوسعید آن قدر صدقات و هدایا برای مجاوران و فقیران مکه اختصاص داده بود که نرخ طلا در بازار مکه پایین آمد.**

* **ساختن حمام و مدرسه در مدینه (عمر بن الوردی (م ۷۴۹ق.)، ج ۲، ص ۲۷۴، ۱۴۱۷ق.)**

* **آب رسانی به مکه؛ (العسقلانی (م ۸۵۲ق.)، ج ۱، ص ۵۴۱)**

ارتباط تیموریان با حجاز:

تیموریان برای بهره‌برداری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از ظرفیت بالای حج، به آن توجه نشان دادند. مؤسس این سلسله، مدعی خلافت بر مسلمانان بود. او خود را احیاکننده اسلام در

سده هشتم می‌دانست (نظام‌الدین شامی، اول، صص ۱۸۰ - ۱۷۸، ۱۳۶۳ ش.). و نبردهایش را با عنوان جهاد انجام می‌داد. (نظام‌الدین شامی، اول، صص ۱۸۰ - ۱۷۸، ۱۳۶۳ ش.). تیمور که سلاطین ممالیک مصر را غلام و غلام‌زاده‌ای بیش نمی‌دانست، آنان را شایسته تسلط بر حریم نمی‌شمرد. تیمور پس از فتح دمشق، رسولانی به دربار مصر فرستاد و خواستار بندگی ملک ناصر شد. ملک ناصر اظهار انقیاد و اطاعت کرد و سکه و خطبه را در قلمرو خود به نام تیمور کرد و قرار شد باج و خراج سالیانه به خزانه تیمور ارسال کند.

از روابط و اقدامات تیمور با حجاز به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

اول: وقف «اندخوی» در نزدیکی بلخ به حریم.

دوم: تبعید راهزنان مسیر حج به بلخ.

سوم: تجهیز کاروان حج از بغداد.

از میان امیران تیموری، شاهرخ فرزند تیمور به مدت ۴۳ سال (۸۵۰ - ۸۰۷ ق.) از سرحد چین تا مرز روم و از اقصای ترکستان تا مرز هند فرمان راند (حمد الله مستوفی قزوینی، به کوشش: لیسترنج، صص ۳۲۰ و ۳۲۱، ۱۳۶۲ ش.) و تنها او در این میان توجه بیشتری به حریم و حجاج داشت که از دلایل آن می‌توان به آرامش نسبی در حکومت وی، قدرتمندی و مناسبات حسنه با دولت ممالیک مصر در برهه ای از آن اشاره کرد. اهم اقدامات شاهرخ در حریم عبارت‌اند از:

۱. مکاتبه با سلطان مصر برای مجازات راهزنان حج.

۲. تهیه و فرستادن جامه کعبه.

۳. ارسال صدقات به اهل حریم.

۴. درخواست جاری کردن آب برای مردم مکه.

لازم به توضیح است که در برخی سال‌های حکومت شاهرخ که او در شمال غرب ایران به نبرد با ترکمانان مشغول بود، حج تعطیل شد. (الجزیری، ص ۳۲۱، ۱۳۸۴ ق.).

همچنین در سال ۸۴۷ ق. به دستور او جامه کعبه را - که در شهر یزد تهیه شده بود - به دست هیئتی از بزرگان دولت تیموری به مصر فرستاد. سپس نمایندگان شاهرخ از مصر به حجاز رفتند و ضمن به جا آوردن حج، جامه کعبه را بر قامت آن پوشانند و به خراسان برگشتند. بدین ترتیب برای نخستین بار، جامه‌ای بافته شده در ایران بر خانه خدا پوشانده شد. (میرخواند، محمد بن خواند، به تصحیح: عباس زریاب خویی، ج ۶، صص ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ و صص ۷۲۵-۷۲۱ و ج ۲ صص ۶۳۲، ۱۳۳۹ ش.؛ عبدالرزاق السمرقندی (م ۸۸۷ ق.)، به کوشش: نوایی، ج ۲، صص ۷۹۳-۷۹۱

و صص ۸۳۷-۸۳۴، ۱۳۵۳ش.). این اقدام شاهرخ که در سال ۸۴۸ ق. و در شب عید قربان انجام و جامه بر قامت کعبه پوشانده شد، (ابن فهد (م ۸۸۵.ق.)، به کوشش: عبدالکریم، ج ۲، ص ۳۹۸، ۱۴۰۸ ق.). در تاریخ بازتاب زیادی داشت.

ترکمانان قراویونلو (۸۷۳ - ۸۱۰ ق.):

نبرد قرا یوسف با شاهرخ تیموری و نیز حاکم شام سبب شد حج دو سال (۸۲۳ - ۸۲۱ ق.) تعطیل شود. (فاسی (م ۸۳۲ ق.)، به کوشش: گروهی از علما، ج ۲، صص ۴۳۴ و ۴۳۵، ۱۴۲۱ ق.) (الجزیری، ص ۳۲۱، ۱۳۸۴ ق.). پس از آن با درگذشت قرا یوسف در سال ۸۲۳ ق. حج ایرانیان تا ۸۳۱ ق. تعطیل شد.

ترکمانان آق قویونلو (۹۲۰ - ۸۷۲ ق.):

مهم ترین اقدامات آنان در مناسبات با حجاز، به شرح ذیل است:

اول، امن سازی راه حج؛ آق قویونلوها بر بخش حساسی از راه حج تسلط داشتند و بر خلاف میل ممالیک مصر و در راستای سیاست برخی دولت های پیش، تلاش داشتند راه حج را در اختیار داشته باشند. (خنجی، به کوشش: ریاحی، ص ۲۲، ۱۳۷۴ ش.)؛ محمد کاظم مروی، به کوشش: ریاحی، ص ۲۲، ۱۳۷۴ ش. بدین منظور، اوزون حسن، راهزنانی را که مزاحم حجاج می شدند، تا آسیای صغیر از میان برداشت و همین امر موجب شد در مکه به نام وی خطبه بخوانند. (ایمن ابراهیم الشریده، ص ۱۴۶، اول، تهران، ۱۳۸۳ ش.)

دوم، اعزام محمل؛ آق قویونلوها در سال ۸۷۱ ق. پس از دو دهه توقف در اعزام محمل، محمل عراق را به راه انداختند. در دوره حکومت اوزون حسن (۸۸۲ - ۸۷۲ ق.)، تجهیز محمل و کاروان عراق، هر ساله بدون وقفه ادامه داشت. (الجزیری، صص ۳۳۲-۳۴۴، ۱۳۸۴ ق.)؛ حسن پیرنیا و عباس اقبال، صص ۶۵۵-۶۶۰، ۱۳۸۰ ش.) چون مناسبات ممالیک مصر با آق قویونلوها در این زمان تیره و تار بود، تجهیز محمل گاه موجب درگیری صاحب منصبان حج دو دولت حجاز می شد؛ چنان که نزاعها و رقابت های آنها را، از برخورد امیرالحاج مصر با محمل عراق می توان به دست آورد. تیرگی روابط امیرالحاج مصریان در سال های ۸۸۰ و ۸۸۱ ق. موجب شد تا از ورود محمل همراه

کاروان عراق به مکه جلوگیری شود و تنها حاجیان اجازه دخول به آن شهر را داشته باشند. (ابن فهد (م ۸۸۵ ق.)، به کوشش: عبدالکریم، ج ۴، صص ۶۰۴ و ۶۰۵، ۱۴۰۸ ق.)؛ الجزیری، ص ۳۳۸، ۱۳۸۴ ق.).

اختلاف و رقابت آق‌قویونلوها با ممالیک در این دوره، بارها برای حاجیان ایرانی مشکل ساز شد؛ چنان که در سال ۸۷۶ ق. به این دلیل که محمل عراق می‌خواست بر محمل مصر پیشی بگیرد، اختلاف‌هایی روی داد و به حاجیان عراقی توهین شد. (الجزیری، ص ۳۳۷، ۱۳۸۴ ق.).

سوم، ارسال جامه کعبه؛ به دستور اوزون حسن در سال ۸۷۷ ق. جامه‌ای برای کعبه دوختند که با کاروان عراقی و به امیرالحاجی فردی به نام رستم به حجاز حمل شد. امیرالحاج در مدینه با سخت‌گیری خود موفق شد خطبه را به نام اوزون حسن بخواند. این کار با واکنش سخت قایتبای، سلطان مملوکی مصر مواجه شد. (محمد الدقن، ترجمه: هادی انصاری، صص ۱۱۵ و ۱۱۶، ۱۳۸۴ ش.).

هنگامی که این خبر در مدینه به آگاهی امیر مکه، محمد بن برکات رسید، وی امیرالحاج عراق و برخی دیگر از بزرگان همراه کاروان عراقی را دستگیر و زندانی کرد تا آنها را نزد سلطان مصر بفرستد. تا ششم ذی‌الحجه نیز به کاروان عراق اجازه ورود به مکه داده نشد. (ابن فهد (م ۸۸۵ ق.)، به کوشش: عبدالکریم، ج ۴، ص ۵۵۸، ۱۴۰۸ ق.)؛ (الجزیری، ص ۳۳۷، ۱۳۸۴ ق.)؛ محمد بن احمد الصباغ (م ۱۳۲۱ ق.)، به کوشش بن دهیش، ج ۲، صص ۷۶۵ و ۷۶۶، ۱۴۲۴ ق.). جامه ارسالی نیز بر قامت کعبه پوشانده نشد. با رسیدن کاروان مصر، امیر مکه زندانیان را به امیرالحاج مصر تسلیم کرد. با پایان یافتن موسم حج، آنان به همراه امیر مکه و قاضی مکه به مصر برده و زندانی شدند. در پی آن، اوزون حسن تصمیم به لشکرکشی به مصر گرفت، اما سلطان اشرف قایتبای برای نشان دادن حسن نیت خود، زندانیان ایرانی را که حدود دو ماه از حبس آنان سپری نشده بود، آزاد کرد. (ابن ایاس، بدایع الزهور، ج ۳، صص ۹۰ و ۹۱، بی تا).

مناسبات ایرانیان با حجاز در عصر صفویه

الف) کمیت روابط به عوامل زیر وابسته بود:

۱. مشکلات داخلی صفویان؛ اختلاف میان ترکان قزلباش با اهل دیوان فارس تبار، تقریباً از آغاز تشکیل دولت صفوی تا دوره ضعف و انحطاط صفویه ادامه داشت.

۲. مشکلات خارجی صفویان؛ دو همسایه قدرتمند سنی مذهب، یکی به نام ازبکان در شرق و دیگری به نام امپراتوری عثمانی در غرب وجود داشتند که از همان آغاز روی کار آمدن صفوی آنان را به دشمنی با این دولت واداشت و بارها به سرزمین ایران تعرض کردند.
۳. عدم استقلال تام حکومت اشراف در حجاز؛ بی تردید، مناسبات صفویان با حجاز و اشراف حاکم بر آن، تابعی از مناسبات آنان با عثمانی بود؛ همان گونه که روابط ایران با عثمانی خصمانه بود، روابط صفویه با اشراف نیز چندان دوستانه و پایدار نبود.
۴. اتهام همدستی ایران با روسیه بر ضد عثمانی.
۵. کشتن شیعیان به جرم تلویث؛ سباعتی از مورخان معاصر نیز که محقق منصف است، درباره توهم‌های متعصبانه آن عهد در میان عامه می‌نویسد:
آنچه سبب تأسف من است، این که عامه مردم حتی تا به امروز تصور می‌کنند که شیعیان عجم بر این باورند که حج آنان قبول نمی‌شود مگر آن که کعبه را آلوده سازند! اگر ما عقل سلیم را حکم قرار دهیم، باید بگوییم که سالیانه باید هزاران بار؛ یعنی به عدد شیعیانی که به حج می‌آیند، کعبه آلوده شود؛ این چیزی است که واقعیت ملموس آن را تکذیب می‌کند. اما مشکل آن است که وقتی به مخالفان می‌رسیم، عقل خود را کنار می‌گذاریم. (احمد السباعی (م ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: رسول جعفریان، ص ۴۵۹، ۱۳۸۵ش.)
۶. قتل علما و صاحب منصبان ایرانی.
۷. سنگینی مالیات.
۸. ناامنی مسیر حج.
۹. مصادره اموال حجاج و زائران ایرانی.
۱۰. رفتار ناشایست اغوات با ایرانیان؛ اغوات به عنوان خادمان حرمین رفتار و برخورد نامناسب با ایرانیان داشتند.
- ب) عوامل راهگشا در روابط:
۱. مسأله حج‌گزاری ایرانیان.
۲. علمای مقیم.
۳. استقلال نسبی اشراف.
۴. گرایش مشترک مذهبی.
۵. نسب مشترک.

دوران افشاریه: (۱۲۰۹-۱۱۴۸ ق.م):

دوران افشاریه بیشتر به دلیل مذاکره نادر شاه (۱۱۶۰-۱۱۴۸ ق.م) با حکمرانان عثمانی برای به رسمیت شناختن مذهب جعفری و برگزاری نماز شیعیان در مسجدالحرام، در تاریخ حج‌گزاری ایرانیان شهرت دارد.

نادیده گرفته شدن توافقی‌های عثمانی و ایران و بدرفتاری با حجاج ایرانی و اخراج امیرالحاج آنان بهانه‌ای به دست نادر داد تا او در سال ۱۱۵۶ ق.م. بالشکرکشی به عراق، آنجا را از عثمانی‌ها باز پس گیرد. آنان حدود یک قرن پیش آنجا را از صفویه گرفته بودند.

نادر در پی فتح عراق، کنگره‌ای در نجف اشرف، مرکب از علمای مشهور شهرهای مختلف ایران، ماوراءالنهر، علمای شاخص ساکن عراق در شهرهای نجف، کربلا و نماینده عثمانی شیخ عبدالله افندی بن حسین بغدادی مشهور به سویدی (۱۲۴۶-۱۱۸۰ ق.م) تشکیل داد. در این کنگره توافق‌نامه‌ای به امضای علمای حاضر رسید که برخی از بندها و نکات درج شده در آن عبارت بودند از:

۱. به رسمیت شناخته شدن مذهب جعفری از سوی قضات، علما و افندیان اهل سنت.
۲. شریک شدن شیعیان در مقام شافعی در مسجدالحرام؛ به موجب این بند از توافقنامه، شیعیان می‌توانستند پس از اقامه نماز شافعیان، طبق آیین خود نماز بگذارند.
۳. انتخاب امیرالحاج از سوی ایران در هر سال و لزوم برخورد یکسان با او، همانند رفتار با دیگر امیران حاج مصر و شام.
۴. اکرام حجاج ایرانی در سفر حج. (مهدی‌خان استرآبادی، صص ۳۹۴-۳۸۹، ۱۳۸۶ ش.)
در پی این توافقنامه دولت عثمانی تعهد کرد تا با کنترل رفتار مأموران و کارگزاران خود؛ اعم از کشتی‌بانان، راهداران، باج‌گیران و سرشمارگیران، حجاج ایرانی را اکرام کند و رفتار شایسته‌ای با آنان داشته باشد. (محمد کاظم مروی، به کوشش: ریاحی، ج ۳، صص ۸۸۷-۸۸۵، ۱۳۷۴ ش.)
دولت عثمانی از برآوردن این خواست‌ها سرباز زد و تعیین امیرالحاج ایرانی را تنها در راه نجف پذیرفت. (مهدی‌خان استرآبادی، صص ۳۹۷، ۱۳۸۶ ش.) این مذاکرات چند بار دیگر نیز تکرار شد و سرانجام بی نتیجه ماند. در عهدنامه‌ای که میان دو دولت به سال ۱۱۵۹ ق.م. بسته شد، بر حفظ سلامت و امنیت حاجیان ایرانی، خواه در راه بغداد و خواه در راه شام تأکید شده است. (مهدی‌خان استرآبادی، صص ۴۹۶، ۵۳۰، ۱۳۸۶ ش.)؛ محمد کاظم مروی، به کوشش: ریاحی، ج ۳، صص ۸۸۷-۸۸۵، ۱۳۷۴ ش.)
از وقایع مهم دیگر گردن زدن سید نصرالله حائری در نهم رجب ۱۱۵۸ ق.م توسط دولت

عثمانی در استانبول به اتهام فساد مذهب بود. دولت ایران وی را در سال ۱۱۵۷ ق. به حج فرستاده بود تا بر اجرایی شدن کنگره نجف نظارت کند.

روابط قاجاریه با حجاز (۱۲۰۹-۱۳۴۳ ق.)

عوامل مؤثر بر روابط قاجارها با حجاز:

الف) حج‌گزاری ایرانیان؛ حج‌گزاری هر ساله بسیاری از ایرانیان، داشتن روابط با حجاز را ضروری می‌ساخت. کنگره عظیم حج ذهن تمام دولت‌های مسلمان را متوجه حجاز می‌ساخت تا در پرتو مناسبات حسنه با حاکمان و صاحب‌منصبان در حرمین شریفین، مراسم حج را بهتر برگزار کنند و اسباب راحتی حجاج را فراهم سازند.

ب) حکومت اشراف بر حجاز و قرابت مذهبی آنان با ایرانیان

ج) کمک‌های مالی ایرانیان به اشراف

مناسبات شاهان قاجار با حجاز: مهمترین وقایع:

فتح علی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق.)؛ در حکومت فتح‌علی شاه، عهدنامه‌هایی میان ایران و عثمانی بسته شد که در آنها تأمین امنیت حاجیان ایرانی، رفتار مناسب با آنان و نگرش مالیات راه از حجاج به دست دولت عثمانی تأکید می‌شد. (محمد حسنخان معتمد السلطنه، به کوشش: رضوانی، ج ۳، صص ۱۵۶۰ و ۱۵۶۱ و ۱۶۸۲، ۱۳۶۷ ه.ش).^۱

با وجود محدودیت‌ها، حج‌گزاری ایرانیان و ارتباط با حجاز و حرمین شریفین در بیشتر سال‌های حکومت فتح‌علی شاه و دیگر شاهان قاجار برقرار بود. (جعفریان، رسول، مقالات تاریخی، دفتر ۸، ص ۱۸۰، ۱۳۸۷-۱۳۸۸ ش.)

از مواردی که موجب چالش و تنش در مناسبات ایران و حجاز در این زمان شد، می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

گسترش قلمروی آل سعود بر حجاز

ظهور خاندان سعود نجد جزیره‌العرب و دست‌اندازی به شهرهای مقدس مکه و مدینه، به سال ۱۲۱۷ ق. و در سال‌های بعد، از مواردی بود که در دوران حکومت فتح‌علی شاه رخ داد و

۱. درباره جنگ‌های ایران و عثمانی در دوران قاجار، ر.ک: ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۱۰۵-۱۱۴

منجر به تعطیلی و اختلال در مراسم حج شد. این موضوع، دولت ایران را به واکنش بر ضد آل سعود واداشت^۱ (اسرا دوغان، ص ۲۲۱، ۱۳۸۹ش).

همچنین فتحعلی شاه در پی حمله و هابیان^۱ به عتبات عالیات در سال ۱۲۱۶ق. - که منجر به کشته شدن بسیاری از شیعیان و وارد آمدن خسارت فراوان شد^۲ - نامه‌ای که به امیر سعودی نوشت و از وی خواست اموال ربوده شده از مکان‌های مقدس عتبات عالیات را بازگرداند و دیه کشته شدگان را بپردازد. فتحعلی شاه در این نامه امیر سعودی را تهدید کرد اگر به موارد اشاره شده اعتنا نکند، دولت قاجار به درعیه در نجد حمله خواهد کرد. (ملک الشعراى بهار، ص ۱۵۱، ۱۳۱۸ش.؛ لسان الملک سپهر، به کوشش: کیان‌فر، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۱۹، ۱۳۸۶ش.؛ حسن بن حسینی فسایی، به کوشش: رستگار، ج ۱، صص ۶۸۲-۶۸۴، ۱۳۸۲ش.؛ دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۳، ص ۵۴۶، ۱۳۹۲ش.) شاه ایران به سلیمان پاشا، حکمران منصوب دولت عثمانی در بغداد نیز نامه‌ای نوشت و از او خواستار برخورد با و هابیان شد. سلیمان پاشا در پاسخ، قول مساعد داد که مسئولیت جبران خسارت‌های وارد شده بر عتبات و زائران را بر عهده می‌گیرد. (محمد حسنخان معتمد السلطنه، به کوشش: رضوانی، ج ۳، ص ۱۴۶۵، ۱۳۶۷ش).

وهابی‌ها با حملات متعدد خود به حجاز توانستند حدود هفت سال بر حرمین تسلط داشته باشند. (احمد السباعی (م ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: رسول جعفریان، صص ۵۸۳-۵۹۵، ۱۳۸۵ش.) در این مرحله از حکومت وهابی‌ها، اوضاع حجاز بحرانی بود. پس از آن نیز چند سالی اوضاع حجاز

۱. بنیانگذار مذهب وهابی، محمدبن عبدالوهاب از اهالی نجد بود که از آغاز جوانی به مطالعات دینی و علمی روی آورد و ضمن سفر به شهرهای عراق مانند بغداد و بصره و پس از آن دمشق تحت تاثیر افکار و آموزه‌های ابن تیمیه، فقیه و محدث و متکلم حنبلی قرار گرفت. محمد بن عبدالوهاب، مخالف آزاداندیشی و خواهان بازگشت به سنت‌های صدر اسلام بود و بیش از همه با عقاید شیعه مخالف بود. وی کتاب‌های: «نهج‌السنه» و «زیارة القبور» را در رد عقاید شیعه نگاشت. او با تأثیرپذیری از این اندیشه‌ها به تبلیغ افکار خود پرداخت که با اقبال عمومی روبه‌رو نشد. از این رو، رهسپار شهر درعیه در نجد شد و در آنجا با محمد بن سعود، شیخ قبیله هم‌پیمان شد (۱۷۴۹م). ملاقات این دو، سرآغاز حرکتی شد که در عرض هفتاد سال این امیرنشین کوچک را گسترش داد و به یک پادشاهی تبدیل کرد. قدرت معنوی در دست محمد بن عبدالوهاب و رهبری سیاسی و نظامی بر عهده محمد بن سعود قرار داشت.

۲. وهابی‌ها در راه گسترش قدرت خویش از هیچ اقدامی فروگذار نکردند و با عقاید متعصبانه خود حتی دو بار به شهرهای مقدس شیعی در عراق حمله بردند، یکی، در سال ۱۸۰۲ و دیگری، در سال ۱۸۵۶م که در کربلا جنایات و فجایع بسیاری به بار آوردند.

به دلیل حملات نیروهای اعزامی از سوی محمدعلی پاشا، حاکم مصر برای سرکوب آل سعود و وهابی‌ها متشنج بود و برقراری مناسبات دولت قاجار در ایران با حجاز میسر نبود. از موارد مرتبط با حجاز در این زمان، مکاتبه حکومت ایران با محمدعلی پاشا می‌توان اشاره نمود. چنین تصمیمی در پی آن گرفته شد که با استمرار حکومت خاندان سعود و اقدامات و برخوردهای نامناسب آنان، عباس میرزا فرزند و ولی عهد فتحعلی شاه در سال ۱۲۳۵ق. به دستور پدرش، نامه‌ای به محمدعلی پاشا، حاکم مصر (۱۲۶۴-۱۲۲۰ق.) نوشت و در آن، بر لزوم برخورد سخت با وهابی‌ها، حمله به حجاز، بازپس‌گیری مکه و مدینه و تصرف درعیه تأکید کرد. حامل نامه یادشده، حیدر علی خان شیرازی بود که تا شکست کامل وهابی‌ها به دست محمد علی پاشا در مصر ماند. سپس به مکه رفت و از آنجا به ایران بازگشت. (لسان الملک سپهر، به کوشش: کیان‌فر، ج ۱، ص ۳۱۹، ۱۳۸۶ش.؛ میرزا فضل‌الله شیرازی خاوری، به کوشش: افشارفر، صص ۵۲۳ و ۵۲۴، ۱۳۹۰ش.).

ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق.): در این دوره، به دلیل دوستی با عثمانی، با حجاز نیز مناسبات خوبی داشت. در این عصر، مکاتبات بسیاری میان دو دولت ایران و عثمانی رد و بدل شد که بیشتر درباره رعایت حال حجاج و لزوم برخورد با قطع الطریق است. سرقت اموال حجاج در این دوره، بیشتر در قلمرو عثمانی و حدود شامات و در جاهایی مانند حلب صورت می‌گرفت؛ از جمله اقداماتی که دولت عثمانی در این زمان انجام داد، این بود که در سال ۱۲۶۱ق. حکومت عثمانی به امیر مکه، شریف محمد بن عون دستور داد با حجاج ایرانی رفتار مناسبی داشته باشند. در حکومت ناصرالدین شاه بسیاری از شاهزاده‌های قاجار و برخی صاحب منصبان به سفر حج رفتند که عبدالکریم میرزا از آن جمله بود.

در سال ۱۲۶۳ق. به دولت عثمانی اطلاع داده شد که مادر شاه ایران، مهد علیا و آصف‌الدوله قاجار قصد عزیمت به سفر حج دارند.

بنا به گزارشی، هنگامی که دولت عثمانی برای ساخت راه آهن حجاز که دمشق را به مدینه متصل می‌کرد، از کشورهای اسلامی درخواست کمک کرد، مظفرالدین شاه قاجار ۵۰ هزار لیره عثمانی برای انجام این طرح اختصاص داد. (عبدالباسط بدر، ج ۳، ص ۱۳، بی‌نا، ۱۴۱۴ق.).

اتفاقاتی که در این برهه از تاریخ رخ داد:

یک) وقوع جنگ جهانی اول؛ در این دوره ایران به دلیل جنگ، جولانگاه متفقین و درگیر جنگی شد که از ۱۹۱۸-۱۹۱۴م. / ۱۳۳۶-۱۳۳۳ق. به طول کشید. این نبرد، خاورمیانه؛ از

جمله عراق را نیز که مسیر حج ایرانیان بود درگیر کرد و موجب تعطیلی حج ایرانیان به مدت چند سال شد.

دو) تسلط آل سعود بر حجاز؛ در این دوره آل سعود برای بار دوم بر حجاز مسلط شدند و این امر موجب شد تا استقرار دولت جدید، مرحله جدیدی از تعطیلی در حج ایرانیان روی دهد. (دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۳، ص ۵۴۸، ۱۳۹۲ ش.).

سه) مشکلات داخلی؛ دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران از یک سو و فقر و رکود اقتصادی از سوی دیگر، اجازه توجه به حجاز را به دولت نمی داد. ضمن آنکه اوضاع حجاز نیز در این زمان بحرانی بود.

غصب، مصادره و فروختن اموال حجاج و زائران ایرانی در حرمین، گاهی موجب تیرگی روابط دو دولت می شد که ضرب و جرح و کور کردن برخی ایرانیان و بی اعتنایی نسبت به دادخواهی آنان، از آن جمله است.

مناسبات در دوران پهلوی (۱۳۹۹-۱۳۴۳ ق. / ۱۳۵۷-۱۳۰۴ ش.):

* روابط رضا شاه پهلوی؛ آل سعود برای بار دوم با تسخیر مکه و مدینه در سال ۱۳۴۴ ق. بر حجاز تسلط یافتند.^۱

مهمترین اقدامات دولت ایران:

الف) ممنوع کردن سفر حج؛ دولت پهلوی با توجه به ناآرامی اوضاع حجاز و انعکاس اخبار تخریب اماکن مذهبی و مقدس در مکه و مدینه، همانند کشورهای دیگر، (علی محقق، ص ۶۰، ۱۳۷۹ ش.). سفر حج شهروندان خود به سرزمین وحی را ممنوع کرد. این ممنوعیت به مدت چهار سال بود.

ب) محکومیت آل سعود؛ دولت ایران در سال ۱۳۰۴ ش. انهدام بقاع متبرکه بقیع را که از

۱. سلسله‌های اسلامی جدید، صص ۲۳۱ و ۵۴۳ آل سعود در اوایل قرن بیستم نهایت استفاده را از ضعف امپراتوری عثمانی کرد و پس از شکست خاندان آل رشید که طرفدار عثمانی‌ها بود، ریاض را فتح کرد و بر تمام نجد تسلط یافت. با شروع جنگ جهانی اول، عبدالعزیز بن عبدالرحمن با انگلیسی‌ها هم پیمان شد و با تغییر مواضع خود نسبت به عثمانی‌ها، سرانجام موفق به فتح مکه در سال ۱۹۲۴ م و متواری ساختن خاندان هاشمی از حجاز شدند. بدین ترتیب، توانستند قدرت خود را تقریباً بر بیشتر نواحی جزیره‌العرب گسترش دهند و به عنوان دولتی جدید به نام عربستان سعودی، وارد معادلات روابط بین‌الملل شوند.

سوی آل سعود انجام شد، به طور رسمی محکوم کرد. (احمدی، حمید، ص ۶۷، ۱۳۸۶ ش). چهارده شهریور همان سال از سوی دولت، تعطیل عمومی اعلام شد و مردم تهران در محکومیت ویران سازی قبور بقیع راهپیمایی کردند. (مجله خواندنی‌ها، سال ۴، ش ۲۷، صص ۱۵-۱۷)

(ج) تشکیل کمیسیون حرمین شریفین؛ مجلس شورای ملی، در سال ۱۳۰۵ ش. تصویب کرد کمیسویی از نمایندگان مجلس با نام کمیسیون حرمین شریفین تشکیل شود تا با همکاری دولت اوضاع حرمین را بررسی کند.

شروع مناسبات: دولت آل سعود در سال ۱۳۰۷ ش. با ارسال نامه‌ای به کشورهای اسلامی؛ از جمله دولت ایران، ضمن تأکید بر امنیت کامل حجاز و بر عهده گرفتن مسئولیت حفظ امنیت حاجیان، از دولتمردان کشورهای اسلامی خواست تا نمایندگان را برای بررسی اوضاع امنیتی حجاز مأمور کنند.

نحستین معاهده دو کشور که سرآغاز روابط محسوب می‌شود، در دوم شهریور ۱۳۰۸ ش. / ۱۳۴۸ ق. به امضا رسید و حبیب‌الله هویدا به عنوان سفیر ایران به حجاز اعزام شد. تعهد عربستان برای تأمین امنیت و فراهم ساختن وسایل آسایش حاجیان ایرانی از مفاد این عهدنامه بود.

در این سال‌ها، از گلاب ایران برای شست‌وشوی کعبه استفاده می‌شد.

* روابط ایران و حجاز در زمان سلطنت محمدرضا شاه پهلوی

به دلیل مشکلات داخلی و ناامنی راه‌های منتهی به حج؛ مانند راه عراق که بسیار ناامن و خطرناک شده بود، دولت ایران صدور گذرنامه حج را در سال ۱۳۲۱ ش. ممنوع کرد. کسانی هم که به طور غیر قانونی ره‌سپار سفر حج می‌شدند، به مشکلات متعددی برمی‌خوردند.

روابط محدود ایران و حجاز در سال ۱۳۲۳ ش. و در پی اعدام یک زائر ایرانی برای چهار سال قطع شد. این زائر که ابوطالب یزدی نام داشت، در گرماگرم طواف دچار مشکل مزاجی شد و استفراغ کرد. مأموران سعودی او را به بی‌احترامی به خانه خدا متهم کرده، نزد قاضی بردند. قاضی نیز حکم اعدام او را به اتهام تنجیس کعبه صادر کرد و ابوطالب بلافاصله گردن زده شد. این حادثه منجر به قطع روابط ایران و عربستان از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ ش. شد. (سید علی قاضی عسکر، صص ۱۳-۱۴، ۱۳۸۴ ش).

دولت ایران اجرای این حکم را محکوم کرد و به شدت نسبت به آن واکنش نشان داد و خواستار عذرخواهی عربستان شد. دولت سعودی با این استدلال که اجرای حکم اعدام، قانونی و با پشتوانه گواهی شاهدان و اعترافات مقتول همراه بوده است، بر موضع خود پافشاری کرد.

مکاتبات و میانجی‌گری مصر نیز برای حل اختلاف مؤثر واقع نشد و بدین ترتیب، دولت ایران در سال ۱۳۲۳ش. روابط خود با آل سعود را قطع و مانع حج‌گزاری ایرانیان شد. (روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۱۰، صص ۸۰۱۷).

از سرگیری روابط ایران و عربستان در پی نامهٔ ملک عبدالعزیز سعودی به محمد رضا شاه عملی شد که در آن، خواستار از سرگیری روابط ایران و عربستان و فرستادن وزیر مختار به دربار یکدیگر شد. حجاج ایرانی در قالب کاروان‌های حج به حجاز اعزام شدند. (اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، به کوشش: علی محقق، ص ۳۹، «مقدمه»، صص ۱۳۰-۱۳۱)

* مناسبات انقلاب اسلامی با حجاز

این بخش، با توجه به معاصر بودن تا قبل از حکومت ملک سلمان برای خوانندگان مشهود است.

شرح حال مناسبات ایرانیان با سرزمین حجاز در دوره‌های گذشته، تنها به عنوان مقدمه‌ای به منظور این بود که یادآوری شود بعضی از عوامل در تمام دوره‌های تاریخی وجود داشته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. مشکلات و مصائب برای زائران ایرانی به شکل‌های مختلف همواره وجود داشته است ولی

به دلیل وجود مصائب و مشکلات، زائران از این سفر معنوی امتناع نمودند.

۲. دولتمردان ایرانی برای رفع مشکلات در همهٔ دوره‌ها بی‌تفاوت نبودند و سعی در مرتفع نمودن آن‌ها داشتند.

۳. اختصاص بودجه جهت تسهیلات این سفر برای اکثر دولت‌ها امری مهم بود.

۴. اعزام با شکوه هرچه بیشتر کاروان‌های حج، در همه دوره‌ها امری قابل توجه بود.

۵. نیاز هر دو سرزمین به برقراری ارتباط از طریق این سفر، همواره وجود داشته است.

۶. اهم دغدغهٔ همهٔ حاکمان ایران برای انجام این سفر، حفظ امنیت زائران ایرانی، احترام به آنها، ارائهٔ خدمات بیشتر و بهتر به آن‌ها در طول این سفر معنوی بوده است.

در عصر کنونی با تغییرات اساسی که در انجام این سفر، با توجه به وجود وسایل حمل و نقل هوایی و امنیت راه‌ها برای زائران ایجاد گردیده است و همچنین قوانین بین‌المللی حقوق بشر که حفظ امنیت جان و مال اتباع خارجی پس از صدور ویزا به عهدهٔ کشور میزبان می‌باشد، مشکلات و موانع سر راه زائران ایرانی به شکل و شمایل دیگری خود را نمایان کرده است که تمامی دست‌اندرکاران حج می‌بایست در جهت رفع آنها برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند و آن‌ها را به حداقل برسانند. در ذیل به بخشی از این مشکلات که بیشتر آنها جنبه بدرفتاری از

طرف عوامل سعودی دارد اشاره می‌گردد:

- بدرفتاری در فرودگاه‌های جده و مدینه؛ معطل کردن زائران ایرانی به بهانه‌های مختلف در این فرودگاه‌ها و همچنین رفتارهای ناشایست مأمورین سعودی که هیچ نظارتی بر آن نیست.

- بد رفتاری در قبرستان بقیع با زائران و روحانیون ایرانی.

- بد رفتاری در حرمین شریفین.

- انجام سخنرانی‌های تفرقه‌انگیز توسط ائمه جمعه دو شهر مکه و مدینه.

- جلوگیری از ارائه خدمات پزشکی توسط پزشکان ایرانی به زائران کشور عزیزمان.

- ممانعت از ساماندهی خدمات رسانی به زائران توسط دست اندرکاران حج و زیارت ایران.

- نبود مکانیزم شکایت فوری از برخوردهای خارج از عرف و قانون در کشور عربستان با زائران.

همچنین در موارد زیر به نظر می‌رسد که باید بررسی‌های کارشناسی صورت پذیرد:

۱. جایگاه سازمان حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری در راهبردهای آتی حج، چگونه جایگاهی و با چه اختیاراتی باید باشد؟

۲. جایگاه اجرایی و فرهنگی تشکیلات حج کشورمان، در قیاس با دیگر کشورها چگونه است؟

۳. برای بدست آوردن جایگاه واقعی و کاربردی سازمان حج و بعثه مقام معظم رهبری چه پیشنهادهایی می‌توان داد؟

و نیز لازم است در اعزام زائران توجهی خاص و بازنگری ویژه‌ای داشته باشیم که به ترتیب عبارت‌اند از:

الف) مدیران و معاونان و روحانیون کاروان‌ها:

۱. انتخاب مدیران و معاونان و روحانیون کاروان آموزش دیده و هوشیار و دارای توانایی جسمی برای این سفر.

۲. اصلاح ساختار آموزش.

۳. سختگیری بیشتر در انتخاب عوامل کاروان‌ها.

۴. تقویت سیستم نظارتی بر عملکرد صحیح نامبردگان در حین سفر بدون هیچ اغمازی.

۵. اعمال نظارت کارشناسی دقیق‌تر سیستم در روند اعزام نامبردگان برای دفعات بعد.

۶. امتیاز کارایی مدیران و معاونان در امتیاز دهی آژانس‌ها نیز اعمال گردد، تا دقت کافی در انتخاب آنها از طرف آژانس مربوطه صورت پذیرد.

۷. برگزاری کلاس‌های آموزشی برابر انتظارات سازمان حج و بعثه.

ب) مدیران ثابت:

۱. بازنگری در شرح وظایف و تغییر دیدگاه‌های مدیران ثابت و تبدیل آن‌ها به نیروهای چند منظوره که نظارت بر ارائه خدمات هتل، بخشی از کار آن‌ها باشد و کارهای فرهنگی نیز جزو ارزشیابی آن‌ها قرار گیرد.
۲. بازنگری در نحوه انتخاب و گزینش مدیران ثابت.
۳. تعریف شاخص‌های ارزشیابی متناسب با نیازهای سازمان و بعثه، جهت امتیازدهی به مدیران ثابت.
۴. انتخاب مدیران کارآمد از سوی سازمان حج و تهیه فرایند و سیستم شایسته‌سالاری

ج) بازنگری در چیدمان زائران در کاروان‌ها:

۱. کاروان‌ها بر اساس سطح سواد، سن، میزان توانایی جسمی زائرین، تعداد مشخص معذورین، رصد توانایی جسمی همراهان معذورین، غربالگری قبل از سفر بیماران خاص و معتادان برنامه‌ریزی شوند.
۲. افزایش تعداد جلسات آموزشی و بیان مسائل حراستی کشور میزبان
۳. شناخت توانمندی‌های زائرین قبل از سفر و استفاده بهینه از زائرین مورد نیاز در طول سفر به عنوان افراد داوطلب کمک‌رسانی به دیگر زائرین.
۴. آشنا نمودن زائرین با قوانین کشور میزبان

د) نیروهای ستادی:

۱. بازآموزی و آموزش بر حسب مقتضیات زمان و مکان.
 ۲. به کارگیری نیروهای توانمند.
- موارد دیگری که می‌توان در مورد آن‌ها تحقیق و تفحص نمود و نحوه بکارگیری از ظرفیت آن‌ها را مورد بررسی قرار داد:

۱. صدا و سیما: در دو سال اخیر، صورت مسئله پاک شده است و در موسم عمره هیچ استفاده‌ای از عوامل آن نمی‌شود. در سال‌های قبل، در قالب دو گروه ۵ نفره در مدینه و مکه مشغول فعالیت بودند و همچنین دو مأمور ثابت در این دو شهر برای مدیریت گروه‌های اعزامی پست داشتند. سال گذشته فقط یک نفر نماینده در مکه و یک نفر در مدینه و در سال جاری جایگاه این بخش کاملاً خالی بود. از پتانسیل این بخش جهت اطلاع‌رسانی و آموزش و دیگر

موضوعات استفاده‌های بهینه‌ای می‌توان کرد.

۲. وزارت ارشاد:

۳. بعثه؛ در ایران، قبل و بعد از سفر، برنامه‌های فرهنگی گسترده‌ای را می‌تواند برای زائران حج و عمره برنامه ریزی و تهیه کند تا اثر پایداری بر روح و روان رهروان این سفر معنوی داشته باشد.

۴. شورای عالی امنیت ملی؛ در تصمیمات حساس، تاریخچه حج و عمره را در نظر بگیرند.

۵. شورای عالی حج؛ این بخش عملاً تا کنون فعالیت خاصی نداشته است و باید فعال شود.

۶. وزارت خارجه:

* پیگیری‌ها و واکنش‌های سریع کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در عربستان برای هر واقعه و حادثه غیر مترقبه‌ای که به وجود می‌آید.

* در صورت تناقض در برخوردهای مأموران سعودی با زائران ایرانی، فرایند پی‌گیری و رسیدگی از طرف دولت سعودی می‌بایست مشخص باشد و کلیه زائران از آن مطلع باشند.

* در صورت تبعیض تناقض در برخوردها، وزارت خارجه به دنبال راه‌حل‌های مشترک بین کشورهای اسلامی، جهت حل این ناتوانی دولت سعودی باشد.

۷. رسانه‌ها؛ باید در راستای اهداف ارتقای فرهنگ اسلامی گام بردارند.

۸. نماینده ایران در کشورهای کنفرانس اسلامی؛ در این حوزه نیز نماینده کشور ما می‌تواند برنامه‌های مشترکی با دیگر کشورهای اسلامی به عنوان پیشنهاد جهت یکسان‌سازی برخوردها و رفتارهای مأموران سعودی با زائران مسلمان کشورهای اسلامی ارائه کند.

۹. حقوق بین‌الملل؛ در این بخش دولت عربستان موظف است تدابیری در نظر بگیرد که امنیت و عدم دوگانگی در برخوردها و رفتارهای مأمورین برای همه زائرین حرمین شریف وجود داشته باشد.

متأسفانه موارد متعددی در عدم اجرای آن، در مورد زائران ایرانی در عمره سال جاری مشاهده گردید که مغایر با قانون بین‌الملل و قوانین مصوب عربستان می‌باشد که تعدادی از موارد تبعیض‌آمیز در ذیل به عنوان نمونه بیان می‌شود:

الف) برخورد بد در مبادی فرودگاه‌های جده و مدینه با زائران ایرانی؛ اعم از بدرفتاری و معطل کردن زائران برای مهر گذرنامه تا برهنه کردن روحانیون در فرودگاه مدینه به شکل توهین‌آمیز.

- ب) بد رفتاری مأموران امر به معروف با زائران ایرانی در قبرستان بقیع، فقط به صرف ایرانی و شیعه بودن!
- ج) عدم اجازه ورود روحانیون ایرانی به داخل قبرستان بقیع به دفعات مختلف.
- د) برداشتن عمامه روحانیون در حرم مسجد نبوی توسط اشخاص تندرو و عدم برخورد پلیس با عاملان آن.
- ه) اقدام به زیر گرفتن روحانیون در مکه توسط خودروهای ناشناس سعودی.
- و) دستگیری زائر ۱۴ ساله ایرانی به جرم تلصیق در مورخه ۹۳/۱۰/۱۰ که برای دیگر کشورها این گونه برخورد نمی کنند.
- ز) ارائه خطبه های تند و مغرضانه علیه ایران و مذهب شیعه در نمازهای جمعه حرمین شریفین توسط امامان جمعه که این کار خلاف وحدت بین مسلمانان است.
- ح) ربایش اتوبوس توسط فردی افراطی که در آن حادثه جان تعدادی از زائران ایرانی به خطر افتاد، ولی هنوز سیستم قضایی عربستان با عامل حادثه برخوردی ننموده است.
- ط) شکستن شیشه اتوبوس حامل زائران ایرانی در شهر مکه توسط افراد ناشناس.
- * ۱۱ وزارت خانه و ۷ نهاد عمومی در ارتباط مسقیم با حج هستند که می توان در راستای اهداف بعثه و سازمان حج، از نقش مؤثر آنها بهره برد:

وزارتخانه ها؛

۱. اطلاعات
۲. وزارت کشور شامل چهار رکن: گذرنامه، مبادی ورودی و خروجی، نیروی انتظامی
۳. وزارت امور خارجه
۴. بهداشت و درمان
۵. ارشاد
۶. اقتصاد و دارایی
۷. وزارت علوم
۸. بازرگانی
۹. آموزش و پرورش
۱۰. وزارت راه و ترابری
۱۱. وزارت رفاه و تأمین اجتماعی.

نهادهای عمومی:

۱. هلال احمر
 ۲. هواپیمایی
 ۳. بنیاد جانبازان
 ۴. بنیاد شهید
 ۵. صدا و سیما
- همچنین شرکت های خصوصی نیز در آن مشارکت دارند.
- و نیز بخش حقوقی که مربوط به قوه قضاییه می شود نیز با سازمان ارتباط دارد.

کتابنامه

۱. ابوطالب یزدی شهید مروه، سیدعلی قاضی عسکر، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ش.
۲. اتحاف الوری، عمر بن محمد بن فهد (م ۸۸۵ق.)، به کوشش: عبدالکریم، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۰۸ق.
۳. اخبار مکه، ازرقی (م ۲۴۸ق.)، به کوشش: رشدی الصالح، مکه، مکتبة الثقافه، ۱۴۱۵ق.
۴. اخبار مکه، فاکهی (م ۲۷۹ق.)، به کوشش: ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق.
۵. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، به کوشش: علی محقق، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۷۹
۶. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، حمید احمدی.
۷. الاعلاق النفیسه، ابن رسته (م قرن ۳ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۲م.
۸. ایران قدیم، حسن پیرنیا، تهران، اساطیر. ۱۳۷۳ق.
۹. آژند، یعقوب، مغولان و ایلخانان (۶۱۶ - ۷۵۶ق.)، تهران، ۱۳۲۸ش.
۱۰. بدائع الزهور، محمد بن یاس (م ۹۳۰ق.)، به کوشش: محمد مصطفی، قاهره، الهیة المصریه، ۱۴۰۲ق.
۱۱. البداية و النهایة، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی (م ۷۷۴)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۲. پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش: رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش.
۱۳. تاریخ ابن الوردی، عمر بن الوردی (م ۷۴۹ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۱۴. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶ش.
۱۵. التاریخ الشامل للمدینة المنوره، عبدالباسط بدر، مدینه، بی نا، ۱۴۱۴ق.
۱۶. تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، حسن پیرنیا و عباس اقبال، تهران، خیام، ۱۳۸۰ش.
۱۷. تاریخ جهان گشای نادری، مهدی خان استرآبادی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۶ش.
۱۸. تاریخ حج گزاری ایرانیان، اسرا دوغان، تهران، مشعر، ۱۳۸۹ش.
۱۹. تاریخ حرم ائمه بقیع، محمدصادق نجمی، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش.
۲۰. تاریخ ذوالقرنین، میرزا فضل الله شیرازی خاوری، به کوشش: افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۹۰ش.

۲۱. تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه، احمد السباعی (م ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: رسول جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش.
۲۲. تاریخ منتظم ناصری، محمد حسنخان معتمد السلطنه، به کوشش: رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷ش.
۲۳. تحصیل المرام، محمد بن احمد الصباغ (م ۱۳۲۱ق.)، به کوشش ابن دهیش، ۱۴۲۴ق.
۲۴. تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، سید علی قاضی عسکر، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ش.
۲۵. النخطط، تقی الدین مقریزی، مکتبه احیاء العلوم، بیروت، ۱۹۵۹ق.
۲۶. الدر الکمین بذیل العقد الثمین، عمر بن فهد المکی (م ۵۵۸ق.)، به کوشش: ابن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۵ق.
۲۷. درر الفوائد المنظم، عبدالقادر بن محمد بن الجزیری، قاهره، المطبعة السلفیه، ۱۳۸۴ق.
۲۸. الدرر الكامنة فی اعیان المأة الثامنة، ابن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. دره نادره تاریخ عصر نادرشاه، مهدی خان استرآبادی، به کوشش شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
۳۰. روابط سیاسی ایران و عربستان در سده بیستم، حمید احمدی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶ش.
۳۱. روضة الصفا، میرخواند، محمد بن خواند، ج ۶، به تصحیح: عباس زریاب خویی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۳۹ش.
۳۲. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله افندی اصفهانی، به کوشش: حسینی و مرعشی، قم، خیام، ۱۴۰۱ق.
۳۳. سفرنامه ابن بطوطه (رحله ابن بطوطه)، ترجمه: موحد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.
۳۴. السلوک لمعرفة دول الملوك، المقریزی (م ۸۴۵ق.)، به کوشش: محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۳۵. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۳۶. ظفرنامه تیموری، نظام الدین شامی، ۱ جلد، چاپ اول، تهران، سازمان نشر کتاب انتشارات بامداد، ۱۳۶۳ش.
۳۷. ظفرنامه، شرف الدین علی یزدی (م ۸۵۸ق.)، به کوشش: میر محمدصادق و نوایی، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ش.

۳۸. عالم آرای نادری، محمد کاظم مروی، به کوشش: ریاحی، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۴ ش.
۳۹. فارس نامه ناصری، حسن بن حسینی فسایی، به کوشش: رستگار، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۲ ش.
۴۰. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، به کوشش عبدالله قاضی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۱. کعبه و جامه آن از آغاز تا کنون، محمد الدقن، ترجمه: انصاری، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ ش.
۴۲. مجمع الانساب، محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای (م ۷۳۳ ق.)، تهران، نشر امیر کبیر، ۱۳۶۴ ش.
۴۳. مجمع التواریخ و القصص، به کوشش: ملک الشعراى بهار، تهران، خاور، ۱۳۱۸ ش.
۴۴. مطلع السعدین و مجمع البحرین، عبدالرزاق السمرقندی (م ۸۸۷ ق.)، به کوشش: نوایی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳ ش.
۴۵. مقالات تاریخی، رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸-۱۳۸۷ ش.
۴۶. الملامح الجغرافیه لدروب الحجج، عبدالمجید البکر، جده، تهامه، ۱۴۰۱ ق.
۴۷. المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد ابن الجوزی (م ۵۹۷)، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، طبع الأولى، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
۴۸. ناسخ التواریخ، محمدتقی خان لسان الملک سپهر، به کوشش: کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۶ ش.
۴۹. النجوم الزاهره، یوسف بن تغری بردی (م ۸۷۴ ق.)، به کوشش: شلتوت و دیگران، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومی، ۱۳۹۲ ق.